

یادداشت مترجم

در اندک دروس روش تحقیق منبع پژوهی رشته تاریخ، که در دانشگاه اغلب با عنوان «شناخت منابع و مآخذ» در سرفصل‌های دوره کارشناسی گنجانده می‌شود، دانشجویان تنها با مهارت‌های ابتدایی برای مواجهه با منابع اصلی و فرعی کار خویش آشنا می‌شوند. این مهارت‌ها عمدتاً حافظه‌محور هستند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت معمولاً از دانشجو خواسته می‌شود تا صرفاً اطلاعاتی را درباره نویسنده، حجم، موضوع و گستره زمانی و جغرافیایی منابع اصلی در ذهن خود تلبس کند. در واقع، داده‌شناسی منابع، آن هم به شیوه‌ای سنتی، اصلی‌ترین و گاه تنها مهارتی است که برای بهره‌گیری از منابع به دانشجویان آموزش داده می‌شود. از همین روست که عمدتاً نمی‌توان میان تلقی دانشجویان دانشگاه‌رفته از منابع تاریخی و حاصل کار آنها در بهره‌گیری از این منابع با تاریخ‌پژوهان غیردانشگاهی و خودساخته تفاوت معناداری احساس کرد. خوانش انتقادی منابع و بهره‌گیری تاریخ‌نگارانه و عملی از آنها ظاهراً به درس روش تحقیق و دیگر تحقیقات درسی واگذار می‌شود، حال آنکه کارایی دروس روش تحقیق و کیفیت تدریس آنها در دانشگاه‌ها و نیز سطح کیفی مقالات درسی دانشجویان خود محل بحث است و به هیچ روی رضایت‌بخش نیست. افزون بر این، رابطه درس منبع‌شناسی و دروس تاریخ‌نگاری مشخص نیست و تمایز میان آنها نیز بر دانشجو و حتی بسیاری از استادان این دروس ناشناخته است. دانشجو به ندرت درمی‌یابد که چگونه باید منابع را بر بستر فراگیرتر تحولات تاریخ‌نگارانه شناسایی کند و با نگاهی بیرونی فحوای درونی منابع را مورد سنجش قرار دهد و از

آن به شیوه‌ای نقادانه بهره‌گیرد. تا هنگامی که تلقی دانشجویان از تاریخ‌نگاری چیزی جز حاصل جمع غیرانتقادی مضامین و داده‌های موجود در منابع نباشد دستاورد فعالیت پژوهشی آنها چیزی جز گردآوری داده‌ها و انتقال مستقیم آنها از یک متن متقدم به متنی متأخر نخواهد بود. بی‌تردید این رویکرد ناقص و سنتی به منبع‌شناسی یکی از زمینه‌های اصلی توسعه‌نیافتگی رشته تاریخ در ایران است و تا زمانی که این رویکرد اصلاح نشود وضع ناخوشایند موجود همچنان تداوم خواهد یافت.

کتاب حاضر با این قصد ترجمه شده است که تجارب یکی از مورخان و چهره‌های دانشگاهی آمریکایی در بهره‌گیری عملی از منابع در اختیار دانشجویان ایرانی رشته تاریخ قرار گیرد. این تجارب بر بستر تکوین دانش مدرن تاریخ‌نگاری عرضه می‌شوند و دانشجویان را با پیش‌زمینه‌های نظری لازم و راهکارهای عملی مؤثر برای بهره‌گیری از متون کلاسیک و پژوهش‌های جدید تاریخی آشنا می‌کنند. مؤلف در ابتدا تصویری موجز اما راهگشا از تحولات تاریخ‌نگارانه و نظری جریان‌ساز در رشته تاریخ ارائه می‌کند و سپس نشان می‌دهد که این تحولات چه تأثیری بر کار مورخان در رویارویی با منابع و شکل‌گیری منبع‌پژوهی مدرن داشته است. از نظر نویسنده، کلید اصلی فهم مؤثر و انتقادی منابع در اعتقاد به گشودگی رشته تاریخ و سرشت خاص آن به عنوان فعالیتی پژوهشی با پایان باز نهفته است. نویسنده می‌کوشد تا میان مباحث نظری و راهکارهای عملی پیوند برقرار کند و دانشجویان را تشویق نماید تا با دیدی جامع و نقادانه به مصاف منابع روند، امکانات و محدودیت‌های آنها را با هم بسنجند، به منابع فرعی توجه کنند، دیدگاه‌های خاص نویسنده هر اثر و تأثیر بافت فرهنگی و اجتماعی را در شکل‌گیری این دیدگاه‌ها رصد کنند و هرگز از بازبینی در کار خویش و تن دادن جسورانه به خودانتقادی فروگذار نکنند. علاوه بر این، نویسنده کوشیده است تا نگاهی نسبتاً جامع به منابع غیرمتنی مورد استفاده مورخان نیز داشته باشد. کتاب سرشار است از مثال‌ها و رهنمودهای عملی و از بیان جزئی‌ترین مراحل فنی و عملیاتی شناسایی منابع و

دستیابی به آنها نیز فروگذار نمی‌کند. طبعاً تحقق مؤثر بسیاری از این راهکارهای فنی و عملی تنها بر بستر تحولات نهادی پیشرفته در کشور نویسنده امکان‌پذیر شده است، اما با این همه امکانی را برای مقایسه در اختیار دانشجویان ایرانی قرار می‌دهد تا با کاستی‌های عملی آموزش رشته تاریخ در کشور خویش بهتر آشنا شوند. همین آشنایی می‌تواند زمینه تشکیل فضای انتقادی (جبهه متحدی) توسط دانشجویان و استادان دلسوز را در برابر کارگزاران غیرآکادمیک و کارمندان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی فراهم کند، جبهه‌ای که اگر به گونه‌ای منسجم و هدفمند شکل گیرد می‌تواند بر کارمندان سالاری در دانشگاه غلبه کند و زمینه اداری و نهادی برآوردن نیازهای پژوهشی و امکانات آموزشی لازم برای پیشرفت نه فقط تاریخ بلکه سایر رشته‌های علوم انسانی را نیز فراهم آورد. در واقع، مطالعه چنین کتاب‌هایی، علاوه بر همه فواید پژوهشی و آموزشی، به دانشجویان امکان می‌دهد تا لوازم عملی توسعه‌یافتگی رشته خویش را بهتر دریابند و گام‌های نیرومندی برای فراهم آوردن امکانات نهادی و عملی این سطح از توسعه‌یافتگی بردارند.

همه نمونه‌های تاریخی ارائه‌شده در این اثر متعلق به تاریخ آمریکا و اروپا هستند، با این حال دانشجویان هوشمند و پیگیر می‌توانند با الگوگیری از همین نمونه‌ها و روندی پژوهشی که نویسنده با اتکا به این نمونه‌ها طراحی می‌کند، برای خود الگوی مناسبی طراحی کنند و به نسل‌های پس از خویش انتقال دهند. از این قرار، کتاب حاضر هم دست‌نامه‌ای برای مطالعه مستقلانه دانشجویان است و هم راهنمایی کمک‌آموزشی که استادان می‌توانند در درس «شناخت منابع و مآخذ» و «روش تحقیق» بدان اتکا کنند. مخاطبان اصلی کتاب حاضر دانشجویان مقطع کارشناسی رشته تاریخ هستند، اما دانشجویان مقاطع بالاتر که، علی‌رغم پیشرفت ظاهری در سطوح تحصیلی، هنوز هم کمبودهایی جدی در این زمینه احساس می‌کنند می‌توانند خود را در شمار مخاطبان آن به شمار آورند.

نویسنده این کتاب، آنتونی براندریج، استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه پلی‌تکنیک در ایالت کالیفرنیا است که هفت کتاب و صدها مقاله را به نگارش

در آورده است. احتمالاً کتاب رویارویی با منابع پرخواننده‌ترین اثر براندریج باشد که از زمان چاپ نخست آن در سال ۱۹۸۲ پنج بار تجدید چاپ شده و در چاپ کنونی نیز بازبینی و کاملاً روزآمد شده است.

مترجم کوشیده است تا روانی و سادگی متن کتاب را، که در زبان اصلی بسیار خوشخوان است، در متن ترجمه نیز حفظ کند. از همین رو، در ترجمه بسیاری از اصطلاحات، از اصطلاح‌شناسی رایج و شناخته‌شده در زبان فارسی بهره برده است و تنها در مورد یک اصطلاح، که از قضا در این کتاب بسیار کلیدی و پرسامد است، معادلی کمتر مألوف را گذاشته است. اصطلاح material در متون مشابه عموماً با معادل‌هایی نظیر ماده، مطلب، و مصالح به فارسی برگردانده می‌شود، اما در ترجمه حاضر در برابر آن معادل «سازمایه»^۱ گذاشته شد تا ضمن حفظ تمایز و برجستگی آن در سراسر متن از اغتشاش و خلط آن با اصطلاحات مشابه پرهیز شود.

ترجمه این کتاب نیازمند حمایت و دلگرمی‌های عزیزانی بود که بی‌یاری و تشویق آنها کار به انجام نمی‌رسید. زهیر صیامیان گرجی پیشنهاد ترجمه این کتاب را داد و مترجم را از حمایت‌های بی‌دریغ خویش بهره‌مند ساخت، از همین رو نیز در اینجا نخست از او سپاس‌گزاری می‌کنم. همچنین بر خود می‌دانم تا از دست‌اندرکاران محترم سازمان «سمت» که گام در راهی صعب‌نهاد و با جسارتی مثال‌زدنی زمینه ترجمه و انتشار آثار نظری و روش‌شناختی ارزشمند در حوزه دانش تاریخ را فراهم آورده‌اند تشکر نمایم. در ارتقای کیفیت این اثر ویراستاری حرفه‌ای دوست ارجمندم محمدابراهیم باسط مؤثر بود که سپاسگزارش هستم. همین‌طور تلاش خانم‌ها مریم ربانی و مژگان امیری پریان برای آماده‌سازی و تهیه نمایه و همکاری‌های اداری کارشناس گروه تاریخ سازمان «سمت» خانم مریم فلاح شجاعی نیازمند قدردانی است. اما بیش از همه مدیون دلگرمی‌ها و همراهی محبت‌آمیز همسرم الناز اسکندری هستم که سراسر متن کتاب را به دقت خواند و پیشنهادهای ارزشمندی برای بهبود سطح ترجمه و افزایش سلاست آن ارائه کرد.

۱. ر.ک.: آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، تهران: مرکز، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶؛ ذیل material.

پیشگفتار چاپ پنجم کتاب

این کتاب از دل مجموعه درس‌هایی درباره روش‌های تاریخ^۱ بیرون آمده است که طی سال‌های متمادی برای دانشجویان سطوح عالی گرایش‌های مختلف رشته تاریخ تدریس کرده‌ام. هر کس یک دوره روش‌شناسی تدریس کرده باشد تصدیق می‌کند که این تجربه یا می‌تواند فوق‌العاده ثمربخش باشد یا عمیقاً نومیدکننده؛ و معمولاً این هر دو احساس به مدرس دست می‌دهد. عموماً دانشجویان با نوعی دودلی و تشویش به سراغ این درس می‌روند. تا پیش از رسیدن به این درس، اغلب مواجهات آکادمیک آنها با رشته تاریخ عمدتاً در قالب دوره‌های سخنرانی – مباحثه انجام گرفته است، قالبی که بیشتر آنها نسبت به آن تا اندازه‌ای خاطرجمع هستند. در کلاس درس روش‌های تاریخ، دانشجویان ناگهان خود را در برابر حوزه‌ای ناآشنا می‌یابند و با چالش‌هایی نو و گاه بغرنج مواجه می‌شوند. خوشبختانه، این حس تشویش و دودلی اغلب با احساس هیجان ناشی از امید به رسیدن به سطوح جدیدی از درک رشته تاریخ، و نیز احساس دست یافتن به مجموعه‌ای نو از مهارت‌های تحقیقی و نوشتاری درآمیخته است. من با امید به پروبال دادن به این هیجان، تسکین آن حس اضطراب و گسترش همین مهارت است که عهده‌دار نگارش این کتاب شده‌ام.

من هیجان تاریخ را در تعریف این رشته به مثابه حوزه‌ای گشوده و پویا می‌دانم. تعمیم آگاهی از این امر به دیگران مایه رضایت خاطر چشمگیر من به عنوان آموزگار تاریخ است. از این‌رو، دوره تدریس خودم و این کتاب را حول درک

1. history methods

تاریخ به مثابه فرایندی پویا ساختاربندی کرده‌ام. برداشت رایج از تاریخ به مثابه رشته‌ای متصلب و ایستا را به بهترین نحو می‌توان با تشریح نحوه مواجهه واقعی مورخان با گذشته، جست‌وجوی دائمی آنها برای الگوها و معانی نو و توسعه روش‌شناسی‌های جدید برای تحقق آنها باطل کرد. از این‌رو، فصلی مقدماتی درباره تاریخ‌نگاری (تاریخ‌نویسی) در آغاز کتاب تمهید شده است تا زمینه را برای بحث درباره انواع منابع تاریخی و سازمان حرفه تاریخ در فصل دوم فراهم کند.

تا آنجا که به روش‌های تحقیق مربوط می‌شود، فصل سوم، با موضوع چگونگی پیدا کردن منابع، اهمیت کلیدی دارد. این فصل راهنمایی مفصل و عملی برای مواجهه با منابع متنوع است و شما را قادر می‌سازد تا مهم‌ترین کتاب‌ها، مقالات، جستارها و دیگر سازمان‌های^۱ مربوط به موضوعتان را مشخص کنید و به دست آورید. زمانی که این دانش را به دست آوردیم، می‌توانیم به آسانی کتاب‌شناسی اساسی هر موضوعی در تاریخ را فراهم کنیم. یکی از اهداف بزرگ این کتاب پرورش قابلیت‌های افراد است به نحوی که بتوانند همچون محقق شایسته و خودکفا دست به کار پژوهش شوند.

در فصل چهارم توضیح داده می‌شود که چگونه هر اثر تاریخی را در معرض خوانش انتقادی قرار دهیم؛ با مطالعه این فصل شما به ابزارهای لازم برای درک ساختار اثر و نکات تفسیری اصلی مد نظر نویسنده مجهز می‌شوید. در این فصل، از رهگذر مقایسه دو کتابی که موضوعی ظاهراً مشابه دارند، رویکردها و راهبردهای گوناگونی را که مورخان برای خلق آثارشان به کار می‌برند نشان می‌دهیم. همچنین نکات عمده‌ای که باید هنگام نگارش نقدنامه^۲ مد نظر داشته باشیم در این فصل توضیح داده می‌شود. فصل پنجم، که کاملاً جدید است و به ویراست اخیر کتاب افزوده شده است، درباره بهره‌گیری مورخان از رسانه‌های بصری است. در این بررسی، هم نقش این رسانه‌ها در ارتقای پژوهش تاریخی مد نظر قرار می‌گیرد و هم

1. materials
2. book review

چالش‌هایی انتقادی پیش روی مؤلفان و خوانندگان گذاشته می‌شود. در فصل‌های ششم و هفتم، شیوه‌های نگارش دو نوع از تکالیف رایج دانشجویان بررسی می‌شود: جستار تاریخ‌نگارانه^۱ (که مثالی مشروح از آن ارائه می‌شود) و مقاله تحقیقی^۲. مطالب این فصل از نظم و ترتیب تدریس خود من تبعیت می‌کند که در آن جستار تاریخ‌نگارانه (که عمدتاً متکی بر منابع دست‌دوم است) نقش اصلی را در کلاس روش‌های تاریخ دارد، حال آنکه مقاله تحقیقی طولانی‌تر (که با استفاده از منابع دست‌اول و دست‌دوم نوشته می‌شود) مربوط به پایان‌نامه و سمینار سال آخر دوره کارشناسی می‌شود. در فصل هفتم، برخی از نکات اصلی طرح شده در کتاب، به ویژه مسئله پایان - باز بودن تاریخ، جمع‌بندی می‌شود. در این فصل نشان داده می‌شود که رسیدن به دیدگاه‌ها و تحلیل‌های خلاقانه ارتباط نزدیکی با مفهوم تاریخ به مثابه یک رشته فکری پویا دارد.

پایگاه‌های داده برخطی^۳ که در اختیار پژوهشگران تاریخ قرار دارند در سال‌های اخیر افزایش بسیاری یافته‌اند، آن هم به سبب اینکه کتابخانه‌های دانشگاه‌ها امکان دسترسی به این پایگاه‌ها را فراهم آورده‌اند. پژوهش اینترنتی به عنوان یکی از ابزارهای تحقیقی مورخان چنان اهمیتی یافته که در این ویراست کتاب مفصلاً به آن پرداخته شده است. بخش پایانی کتاب حاضر را پنج پیوست کمکی تشکیل می‌دهد که چهار فقره آنها سرمشق‌هایی ساده و عملی برای اعمال پانوشته‌ها، پی‌نوشت‌ها و فهرست کتاب‌شناسی عرضه می‌کنند. پیوست پایانی نیز شامل فهرستی از کوتاه‌نوشت‌های رایج مورد استفاده در آثار پژوهشی است.

1. historiographic essay
2. historiographic essay
3. online databases